

# روز قیامت

<span></span>
چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳
<span></span>
شماره ۴۱۲۷
<span></span>
www.fdn.ir
<span></span>
FARHIKHTEGANDAILY



زهرا طیبی

خبرنگار گروه نقد روز

«مرکز پژوهش‌های مجلس» بهانه تازه دعوی دولت و مجلس در روزهای نزدیک به انتخابات مجلس شده است که پایش هم در دو روز گذشته حساسی به رسانه‌ها باز شده است. اخیراً و به تازگی رسانه‌های دولت، مرکز پژوهش‌ها را به سیاسی‌کاری متهم کردند و گزارش‌های مرکز را «جهت‌دار»، دانستند که «بازوی پژوهشی مجلس را به یک رسانه سیاسی البته بااکزردی مطابق میل رسانه‌های ضدانقلاب تبدیل کرده است.» «خبرگزاری مجلس نیز در واکنش به این موضع‌گیری رسانه‌های دولت گفته: «رسانه‌های دولت، بهتر است به جای حاشیه‌سازی‌هایی که بازنمایی منفی برای جامعه دارد و بازچه دست رسانه‌های معاند قرار می‌گیرد، در راستای هم‌افزایی و همدلی به‌منظور پیشبرد اهداف متعالی کشور به ویژه بهبود معیشت مردم کام برداریم و موضوعات فرعی را راجح بر موضوعات اصلی کشور ندانیم.» «جدای از اینکه در واقعیت امر می‌توان به گزارش‌های مرکز پژوهش نقد وارد کرد یا خیر و اصلاً پاسخ مجلس چه بوده است، به نظر می‌رسد علت بالاگرفتن دعوی دوباره دولت و مجلس در آستانه دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد.

#### قصد دعوی دوباره دولت و مجلس چه بود؟

دعوی مجلس و دولت پیش از این در مواردی نیز خود را نشان داد اما حالا این دعواجدی‌تر شده و به گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس رسیده است. ماجرا از گزارش خبرگزاری ایرنا در روز دوشنبه شروع شد. خبرگزاری دولت در گزارشی به انتقاد از رئیس مرکز پژوهش‌ها و گزارش‌های اخیر این مرکز پرداخت و به این موضوع اشاره کرد که در یکی دوسال اخیر، مرکز پژوهش‌ها از «نهاد مطالعاتی» به «مرکز برای فعالیت‌های رسانه‌ای» تبدیل شده. خبرگزاری دولت البته گزارش‌ها را جهت‌دار و در راستای انتقاد از دولت دانست و نوشت: «شاید گردانندگان مرکز پژوهش‌ها به دنبال انتقاد از دولت باشند اما خروجی کار آنها تهیه خوراک برای رسانه‌های ضدانقلاب بوده است.» ایرنا در ادامه گزارش خود به این موضوع اشاره کرد که با پایان عمر مجلس یازدهم و «تشکیل مجلس جدید» و «تغییر مدیریت مرکز پژوهش‌های مجلس» این مرکز «به وظیفه اصلی خود بازگردد و مجدداً به بازوی مشورتی نمایندگان مجلس برای بررسی لوایح و طرح‌ها تبدیل شود.» و در کتنبه‌ای به دولت به این موضوع اشاره کرد که «برای فعالیت‌های سیاسی، فضای کافی در کشور وجود دارد و نیازی به آلوده کردن مرکز پژوهش‌ها نیست.» «روزنامه ایران نیز در گزارش «سبک‌بال‌سازی علیه بازارهای اقتصادی» همین اظهارات را در مورد مرکز پژوهش‌ها مطرح کرد. خبرگزاری خانه ملت نیز در واکنش به آنچه در رسانه‌های دولت منتشر شده، انتقادهای دولت را «غیرکارشناسی» خواند و نوشت رسانه‌های دولت به جای توجه به «اصل گزارش»، خوانش آن و داشتن رویکرد حل مسأله حمله به مرکز پژوهش‌ها را در دستور کار خود قرار داده‌اند.» رسانه مجلس در ادامه درباره انتقاد مرکز پژوهش‌ها از برخی اقدامات دولت نیز نوشت: «آیا دولت محترم، آنقدر از عملکرد خود مطمئن است که سایر نهادها و مراکز پژوهشی را به دروغ‌گویی و سیاه‌نمایی محکوم می‌کند؟»

این البته اولین باری نیست که دولت و مجلس، پای اختلاف‌نظرهای خود در طرح‌ها و گزارش‌ها را به رسانه‌ها می‌کشند. پیش از این در اواخر سال گذشته و یک ماه نزدیک به انتخابات مجلس، رسانه‌های دولت در انتقاد از تغییراتی که در لایحه بودجه ۱۴۰۳ انجام شده بود و به گفته دولت هزینه‌های دولت را بالا برده بود، این تغییرات را به نزدیکی به انتخابات مجلس مرتبط دانست و نوشت: «این تغییر تا چه حد از قرار داشتن اکثریت نمایندگان در آستانه ورود به رقابت با دیگر کاندیداهای نمایندگی حوزه انتخابیه‌شان تأثیر پذیرفته است؟» این بار اما محور اصلی دعوی دولت و مجلس، گزارش‌هایی است که مرکز پژوهش‌ها منتشر کرده و دولت آنها را مصداق سیاسی‌کاری و خروج مرکز از ریل پژوهشی دانسته است.

#### آیا گزارش اخیر مرکز پژوهش‌ها درباره فقر، سیاسی بود؟

از جمله گزارش‌هایی که انتقاد دولت را برانگیخته، گزارش اخیریی است که مرکز

وضعیت درگیری سیاسی برخی ارکان دولت و مجلس چندان جالب نیست

# با هم دوست باشید



ممکن است عوامل مختلفی داشته باشد که در مواردی ممکن است واقعیت داشته باشد و پژوهش‌هایی به دنبال اعمال فشار بیشتر بر دولت‌ها باشند، اما در برخی موارد نیز از آنجایی که دولت‌ها نمی‌توانند استدلالی برای رد انتقادات یا پاسخ به آن داشته باشند پژوهش‌ها را به سیاسی‌کاری متهم می‌کنند و حتی سعی می‌کنند مشروعیت آن مراکز پژوهشی و گزارش منتشرشده را زیر سوال ببرند.

#### آسیب به مشروعیت مراکز پژوهشی، خلأ تئوریک در فضای مدیریتی را تشدید می‌کند

اگر چه اختلاف پیش آمده میان دولت و مجلس موضوعی است که باید میان دو قوه حل شود. اما موضوعی که اینجا مهم‌تر است توجه به انجام فعالیت‌های پژوهشی و آسیب‌شناسی و ارائه راهکارها برای حل مشکلات درون کشور است. اگر در ابتدای امر نگاهی به مراکز پژوهشی در کشور بیندازیم از جمله مراکز پژوهشی که در ساختار دولت وجود دارد؛ مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است؛ نقطه اوج فعالیت مرکز بررسی‌های استراتژیک از سال‌های ۸۰ تا اوایل سال ۹۰ بود؛ ارائه راهکار به رئیس‌جمهور، انتشار مجله‌هایی مثل راهبر، برداشت اول و دوم از جمله اقدامات قابل توجه مرکز بررسی‌ها بوده اگرچه در این مدت نیز فراز و فرودهایی داشته اما همچنان زنده بوده و گزارش‌های پژوهشی برای حل مسائل روز کشور و ارائه راهکار به رئیس‌جمهور ادامه داشته است. به مرور از رقم این مرکز کم شد و با بی‌توجهی دولت‌ها به مرکز بررسی‌ها روند فعالیت مرکز بررسی‌های استراتژیک در دولت سیزدهم، زرمه‌هایی از تعطیلی مرکز نیز به گوش رسید. با این حال اما با وجود انشساب رئیس جدید، نقش آفرینی اثرگذار و موثری از سوی مرکز بررسی‌ها برای ارائه راهکار و حل مشکلات درون کشور دیده نمی‌شود. در این میان تنها بازو و مرکز پژوهشی موثری که به بررسی طرح‌ها و لوایح و ارائه راهکارها برای اصلاح سیاستگذاری‌ها می‌پردازد، مرکز پژوهش‌های مجلس است. در چنین شرایطی وارد کردن نقد کارشناسی به گزارش‌های منتشرشده می‌تواند در روند ارائه راهکارها تأثیر مثبت هم داشته باشد اما متهم یک مرکز پژوهشی به سیاسی‌کاری فاخ از این که در اختیار چه فرد یا جناحی قرار دارد، تا حد زیادی به مشروعیت و اعتبار آن آسیب وارد می‌کند و منجر به کاهش اعتماد و اعتبار گزارش‌های منتشرشده آن مرکز پژوهشی می‌شود، امری که با توجه به کمبود گزارش‌های پژوهشی و اتاق فکرها برای ارائه راهکار به دولت و سیاستگذاران، این انتظار وجود دارد که از بازوی کارشناسی مرکز به نحو مثبت استفاده شود و به جای مطرح کردن اتهامات سیاسی‌کاری به مفاد و توصیه‌های توجه شود. در غیر این صورت نادیده گرفتن و آسیب وارد کردن به مشروعیت مراکز پژوهشی می‌تواند منجر به ایجاد خلأتئوریک در فضای

#### سیاسی‌کاری یا نقد کارشناسی به وضع اقتصادی ایران؟

مرکز در گزارش خود به بررسی مواردی پرداخته که از سال ۹۶ خط فقر را به طبقه متوسط نزدیک کرده است و راهکارهایی درباره ظرفیت‌های کاهش فقر ارائه می‌دهد. هرچند در گزارش‌های خود به این موضوع پرداخته که وضع اقتصادی در ایران مطلوب نیست و این شرایط در حال بدتر شدن است. در یک سمت و در تحلیل اینکه چرا گزارش‌های اینجینینی انتقاد دولت را برانگیخته به نظر می‌رسد نقد وضعیت اقتصادی دولت این شائبه را برای دولت ایجاد کرده که مجلس قصد دارد فضای منفی نسبت به عملکرد دولت ایجاد کند و از این جهت آن را سیاسی‌کاری دانسته است. در نگاه اول شاید این امر چندان عجیب نباشد که دولت انتقادات نسبت به خود را سیاسی‌کاری بدانند؛ این امر را اگر تنها منحص دولت سیزدهم ندانیم، اصولاً دولت‌ها در مورد گزارش‌های کارشناسی که مجلس ارائه می‌کند- وقتی نقدی به دولت وارد می‌شود که البته چندان نیز مطلوب دولت‌ها نیست- عموماً در واکنش به آن پژوهش‌ها و مراکز را به سیاسی‌کاری محکوم می‌کنند و در مواردی آن را پسرپوه می‌دانند؛ این امر

تصمیم‌گیری در کشور شود و آسیب دوچندانی به خاآلایه‌ای که در تصمیم‌گیری در برخی شئون نظام حکمرانی وجود دارد، وارد کند.

#### اختلاف دو قوه را به رسانه نکشاند

در سمت دیگر ماجرا اگرچه ممکن است نقد‌های دولت به گزارش‌هایی که مرکز منتشر می‌کند، در مواردی قابل بررسی باشد و بخشی از آن مربوط به انتشار عمومی این گزارش‌ها باشد؛ با فرض صحت نقد‌ها و اظهارات مطرح‌شده اما کشاندن دعوا میان دولت و مجلس به رسانه‌ها، نمود بروز اختلاف و ناهماهنگی میان دولت و مجلس است، در وهله اول جدای از اینکه احساس منفی در میان افکار عمومی نسبت به این اتفاق و دعوا ایجاد می‌کند در ادامه ماجرا منجر به ایجاد این تصور می‌شود که آنچه برای دو قوه مورد توجه قرار دارد نه پیگیری مشکلات مردم و حل آنها که تلاش برای کم کردن فشارها از روی خود است. در این میان رسانه‌های دو قوه باتکه پرائی‌ها، یک‌دیگر را به سیاسی‌کاری یا علم نداشتن به کار کارشناسی متهم می‌کنند که خروجی این دعوایح کدام از مشکلات مردم را حل نمی‌کند بلکه در مواردی ادامه این اختلاف می‌تواند اثر منفی نیز به همراه داشته باشد و در چنین دعوایی گروه اصلی که کنار زده می‌شود و اساساً نادیده گرفته می‌شود نگاه و قضاوت مردم و افکار عمومی است. در این وضعیت مردم نیز خود را دور از این نزاع تعریف می‌کنند و توجهی به آن نمی‌کنند و این امر در ادامه، افزایش شکاف‌ها میان دولت و مجلس با مردم را به همراه دارد. این انتظار وجود دارد که اگر دولت و مجلس حتی در مورد گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها اختلاف دارند هم به جای کشاندن دعوا به رسانه‌ها و فریاد زدن اختلاف میان دولت و مجلس این مشکلات را در جلسه‌های مشترک با یک‌دیگر حل کنند که نهایتاً خروجی مشخصی نیز به همراه داشته باشد.

#### مرکز پژوهش‌ها بهانه دعوی انتخاباتی درون اصولگرایان؟

بالاگرفتن دعوی دو قوه در شرایطی که کمتر از چند هفته به برگزاری دور دوم انتخابات مجلس و شروع مجلس جدید باقی مانده، این شائبه را ایجاد کرده که دعوی اصلی جای دیگری است و مطرح کردن انتقادات به عملکرد مرکز پژوهش‌ها یا پاسخ‌ها مأمیتا کارکرد سیاسی دارد. در روزهایی که بار دیگر دعوا پیرامون اینکه چه لیستی رای بیشتری داشته و کدام لیست بیشتر کرسی‌ها را به خود اختصاص داده دو باره بالاگرفته است، رقابت‌ها بر سر ریاست مجلس همچنان برقرار است و علی‌رغم اینکه سه ضلع و شاید هم بیشتر برای انتخاب به عنوان ریاست مجلس واژدهم مطرح است، برخی افراد درون مجلس سیاسی‌کاری‌ها و لابی‌های خود برای تصاحب ریاست مجلس را آغاز کرده‌اند. به نظر می‌رسد بالاگرفتن دوباره دعوا در رسانه‌های دولت و مجلس نیز در ادامه کشمکش درون اصولگرایان برای تصاحب کرسی مجلس توسط طیف مورد نظر خودشان است تا به نحوی تیر خلاصی برای تغییر ترکیب فعلی مجلس را نیز زنده باشند. به کار بردن این جمله توسط خبرگزاری دولت که «انتظار می‌رود با تشکیل مجلس جدید و تغییر مدیریت مرکز پژوهش‌های مجلس، این نهاد تحقیقاتی به وظیفه اصلی خود بازگردد و مجدداً به بازوی مشورتی نمایندگان مجلس برای بررسی لوایح و طرح‌ها تبدیل شود.» این گزاره را تویجت کرده که رسانه‌های دولت هم‌راستا با برخی نمایندگان منتخب در ادامه دعوی رخ داده برای تغییر ریاست مجلس حرکت می‌کنند. براین اساس، در چنین شرایطی وارد کردن انتقاد از جانب دو طرف به یک‌دیگر اساساً سیاسی معنای‌شود و افکار عمومی را متوجه این موضوع می‌کند که دعوی اصلی نه در گزارش‌ها و یا برخورد آنها بلکه در دعوی انتخاباتی درون اصولگرایان برقرار است. فارغ از اینکه این کشمکش چه اثر منفی در فضای افکار عمومی و در شرایطی که کاهش مشارکت هنوز دغدغه اصلی و جدی ماست، می‌گذارد و مردم را از مجلس و دولت دورتر می‌کند، همچنان نیز این نکته خود را نشان می‌دهد که در خلأ ایده، برنامه و هدف مشخصی برای فعالیت مجلس واژدهم، دعوی منتخبان مجلس و جناح‌های درون اصولگرایی حمله به طرف مقابل و تصاحب صندلی ریاست است، بی‌توجه به اینکه اساساً افکار عمومی بی‌رق‌تر از همیشه بروز این اختلاف و کشمکش‌های سیاسی را متماشای‌کنند اما همچنان نگرانی در دولت و مجلس در این باره وجود ندارد.

# نصیری؛ «نواپوزیسیون» که کسی او را گردن نمی‌گیرد



مینا عبادی

خبرنگار

مهدی نصیری، طلبه حوزه علمیه ده ۵۰ که تا ۴۰ سال سخنانش رنگ و بوی حمایت از جمهوری اسلامی را داشت و پس از آن به طور عیان در نقطه مقابل جمهوری اسلامی ایستاد، این روزها «نواپوزیسیون» است که به زعم خود برای اپوزیسیون‌های کارکشته‌تر از خود نسخه قفل‌گشایی از مسیر اصلاح‌ساختار حکمرانی جمهوری اسلامی می‌پیچد و بر کارآمدی «شاهزاده» به عنوان مهره اصلی این جاده تأکید دارد. مدیر مسئول سابق روزنامه کیهان که زمانی سرش با نوشتن کتاب‌هایی نظیراسلام و تجدد، فلسفه از منظر قرآن و جایگاه اجتماعی زن از منظر اسلام گرم بود پنج سالی هست که با پشت پا زدن به همه آنچه برای دفاع از جمهوری اسلامی نسخه میپیچید رنگ نواپوزیسیون به خود گرفته و در تیم مقابل به اپوزیسیون‌های کارکشته‌تر از خود پاس گل می‌دهد. غافل از آنکه شوتزن‌ها اساساً او را به عنوان هم‌تیمی قبول ندارند که بخواهند از این موقعیت گل خیز به درستی و به نفع شاهزاده استفاده کنند. او که از یک هفته قبل با انتشار ویدئویی از رفتش به کانادا برای دیدار موقتی و سه‌ماهه با پسرش خبر داد سه روز پیش در مصاحبه با بی‌بی‌سی فارسی خطاب به «اپوزیسیون‌های ایرانی» توصیه کرده است با برداشتن شکاف بین «تاج‌زاده» و شاهزاده اتحاد بین «پادشاهی مشروطه» و «جمهوری خواهان» را ایجاد کند.

#### دیدار موقتی که حاشیه‌ساز شد

مرور توضیحات نصیری در ویدئویی که پیش از رفتش به کانادا منتشر کرد، نشان می‌دهد او پیش‌تر گرای انجام چنین مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی را داده و اساساً شاید رفتن به کانادا را نقطه عطفی برای زدن درخت جمهوری اسلامی از ریشه و گرفتن پنهاندگی تلقی کرده است.

او در ویدئویی که منتشر کرده به صراحت بیان می‌کند در خلال این دیدار موقتی و سه‌ماهه علی‌رغم «جای خالی مبارزان» نظیر تاج‌زاده، هاشمی و توماج صالحی به فعالیت سیاسی خود ادامه می‌دهد. پس از آن نیز در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی همه آنچه برای پنهاندگی لازم است را به زبان می‌آورد.

#### نقش دهی عیان به اپوزیسیون و حساب‌کردن روی برادری او

ازسوی دیگر شاید برای اولین بار است که نصیری اینچنین واضح روی برادری

فعلی اپوزیسیونی‌اش مورد قبول اپوزیسیون قرار می‌گیرد که ۴۰ سال است در تلاش برای براندازی هستند و نیازی به تازه‌وارد از راه دور آمده ندارند. گفته‌اند شکاف تاج‌زاده و شاهزاده باید برداشته شود. خودش می‌داند نه شاهزاده می‌تواند به تاج‌زاده نزدیک شود و نه تاج‌زاده علاقه‌مند به همکاری با شاهزاده است.

مهندس موسوی، نرگس محمدی، فائزه هاشمی و تاج‌زاده هم چون دلسوز این جامعه بوده‌اند در ایران باقی مانده‌اند و در زندان و حصر هستند. بد پوست خریزه‌ای زیر پای آقای نصیری انداخته‌اند تا تماشش کنند. هم از داخل حاکمیت، هم از خارج و از درون اپوزیسیون.»

#### جواد امام؛ نصیری و تخریب و انشقاق و دادن نسبت‌های ناروا به جریان‌ات مختلف

جواد امام نیز در بخشی از گفت‌وگویی تفصیلی خود با روزنامه اعتماد بیان کرد است: «اساساً تندروی و رادیکالیسم با جریان راست عجین است. تکلیف اصلاح‌طلبی با تندروی مشخص است، اساس اصلاح‌طلبی با میانه‌روی و خردورزی همراه است. روزی و روزگاری، نصیری‌ها روه‌به‌روی مطالبات مردم ایستادند و تندروی کردند. امروز هم بدون اینکه نمایندگی از مردم داشته باشد درباره آنها صحبت کرده و راهکارهای مسأله‌ساز ارائه می‌دهد. من شناخت دقیقی از مهدی نصیری ندارم، بنابراین اظهارنظری هم درباره ایشان ندارم، اما برابرم قابل فهم نیست، مدیر مسئول سابق کیهان به جای نقد گذشته خود جریانی که به آن تعلق داشت، به سمت تخریب و انشقاق و دادن نسبت‌های ناروا به جریان‌ات مختلف است. معتقدم خوب بود، نصیری این پیشینه‌ها را در ایران مطرح می‌کرد و دیدگاه فعالان سیاسی و مردمی را دریافت می‌کرد. میرحسین موسوی هر حرفی که زده و هر دیدگاهی را مطرح کرده در راستای مطالبات مردم بوده است.»

#### مهاجری: دلم گرفت

محمد مهاجری، فعال رسانه‌ای اصولگرا در بخشی از متنی که در کانال تلگرامی خود منتشر کرده نوشته است: «من، اما دلم گرفت آخر مهدی نصیری را با شاهزاده چکار؟ آنچه امروز از شاهزاده بروز و ظهور دارد واقعاً چیزی جز تعفن سیاسی و فرهنگی و اخلاقی است؟ آنها کجای سیاست ایستاده‌اند و کدام جایگاه را در بین ایرانیان دارند؟ و تا-حالا برای ایران چه کرده‌اند؟ در کدام غصه پشت مردم ما بوده‌اند؟»

#### کریاسچی: نصیری را آدم متعادلی نمی‌دانم

غلامحسین کریاسچی، مدیرمسئول روزنامه مه‌مهن، در گفت‌وگو با ایلنا گفته است: «من اصلاً ایشان را آدم متعادلی نمی‌دانم که بخواهد طرح و رویکردی بدهد. ایشان یک زمانی شاذگرد آقای شریعتمداری در کیهان بود، آنقدر فحاشی و ناسزا به همه اصلاح‌طلبان و شخصیت‌های محترم از جمله مرحوم آقای هاشمی، آقای خاتمی و همین آقای تاج‌زاده و امثال آقای تاج‌زاده کرد و حالا آدم باید چه روحیه و رویی داشته باشد که حالا با این حد از افراط یک مرتبه این طرف صفحه بنیاید.»

#### «فرهیختگان»: قرار دادن پهلوی و تاج‌زاده پازلی که برخی از رسانه‌های حکومت به آن اشاره داشتند

در گزارش روز گذشته «فرهیختگان» نیز به این موضوع اشاره شد که: «در نگاه اول مشخص است نصیری دیگر توان فکر کردن با ایده تازه‌ای به همراه ندارد و سرخورده از وضعیت فعلی به رادیکالیسمی تند روی آورده است. قرار دادن پهلوی و تاج‌زاده دقیقاً همان پازلی است که برخی از رسانه‌های حکومت هم سال گذشته به آن اشاره داشتند و حالا نصیری آن را به صراحت بیان می‌کند و به‌وضوح مشخص می‌کند همایش آینده ایران دقیقاً طراحی و پازل دستگاه‌های غربی برای براندازی بوده است. آنچه رسانه‌های حکومت بیان می‌کردند فقط یک تحلیل نبوده و کاملاً مصادف است با صحنه‌ای واقعی؛ چراکه یکی از سخنرانان اصلی آن جلسه مهدی نصیری بوده است. اما به نظر به‌نصیری دارای فرصت‌پراییهستی است. نصیری در واقع با زدن چنین حرف شاذی نشان می‌دهد که اپوزیسیون ایران نه از شکست‌های گسترده در سال‌های اخیر بلکه از تحولات جهانی که در حال شکل‌گیری است هم حیرت‌زده شده‌اند و نمی‌دانند چطور خود را از وضعیت به‌شدت سختی که در آن قرار گرفته‌اند نجات دهند.» واکنش تند و انتقادی چهره‌های شناخته‌شده اصولگرا و اصلاح‌طلب به سخنان نصیری و خط‌جداکننده‌ای که خیلی پرزنگ روی این مرز کشیدند، نشان از تمیز دادن خط‌مشی چهره‌های شناخته‌شده اصلاح‌طلبی و اصولگرا از آنچه نصیری در خیال خود می‌پوراند، دارد و به او گوشزد می‌کند با چنین سخنانی نمی‌تواند برای خود یار بخرد و هم‌تیمی جذب کند و حالا باید دید سربال سرنوشت این نواپوزیسیون تازه‌مهاجرت‌کرده از کشور تا کجا ادامه خواهد داشت.